
مجموعه‌ی طراحی صحنه و لباس

دبیر مجموعه: منیره ملکی

رالف کولتای

طراح صحنه

با مقدمه‌ای از ترور نان

گردآوری و ویرایش

سیلویا بکمایر

زیبا موسوی

عنوان و نام پدیدآور:	رالف کولتای: طراح صحنه / گردآوری و ویرایش سیلویا بکمایر؛ ترجمه‌ی زیبا موسوی
مشخصات ناشر:	تهران: نشر قطره، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری:	۱۶۰ ص، مصور
فروست:	سلسله انتشارات - ۲۰۸۲، تانتر و ادبیات نمایشی - ۴۳۸، طراحی صحنه و لباس - ۳
شابک:	۸ - ۸۴۹ - ۲۰۱ - ۶۲۲ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	Ralph Koltai: Designer for the Stage, Third Revised and Expanded Edition, c 2003
موضوع:	کولتای، رالف، ۱۹۲۴-۲۰۱۸ م / Koltai, Ralph, 1924-2018
موضوع:	صحنه‌پردازان - انگلستان / Set Designers-Great Britain
موضوع:	طراحی لباس هنری و مخصوص - انگلستان / Costume Design
موضوع:	تماشاخانه‌ها - انگلستان - صحنه‌آرایی و دکور
موضوع:	Theaters-Stage-Setting and Scenery-Geat Britain
موضوع:	مدرسان - انگلستان / College Teachers- Great Britain
شناسه‌ی رده:	وسوی، زیبا، ۱۳۶۳ - مترجم
رده‌بندی:	PN ۲۰۰
رده‌بندی دیویدی:	۷۹۲ ۲۵۰۹۲
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی:	۵۹۲۰۱۷

نشر قطره از برجسب برای تغییر قیمت استفاده نمی‌کند.

تمامی حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان شیخلر، کوچه‌ی بنفشه، پلاک ۸

تلفن: ۸۸ ۹۷ ۳۳ ۵۱-۳

nashr.ghatreh@yahoo.com / ghatrehpub



رالف کولتای

گردآوری و ویرایش: سیلویا بکمایر

مترجم: زیبا موسوی

صفحه آرا: ژیلای پی سخن

طراح جلد: مهسا ثابت‌دیلمی

چاپ اول: ۱۳۹۹

چاپ: صبا

صحافی: خلیج فارس

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها: ۲۷۰۰۰ تومان

فهرست

۹.....	غده ی دبیر مجموعه
۱۳.....	قدمه ی مترجم
۱۵.....	نقش طاح ص
۱۷.....	پیشگفتار
۲۱.....	مقدمه
۲۷.....	جان ناپیر
۳۹.....	نورمن موریس
۵۱.....	نمایش نماینده
۵۳.....	مایک بارنت
۶۹.....	دیدگاه متمایز
۷۹.....	ظهور و سقوط شهر ماهاگونی ۱۹۶۳ م
۸۳.....	اسکیس های نمایش ظهور و سقوط شهر ماهاگونی
۹۱.....	مجموعه عکس نمایشگاه مجسمه با کلاژ فلزی
۹۵.....	روزشمار وقایع
۹۹.....	کتاب شناسی نویسنده
۱۰۳.....	مقاله نویسان
۱۰۹.....	آثار رالف کولتای (به ترتیب زمان)
۱۲۹.....	مجموعه عکس از دیگر آثار
۱۵۵.....	منابع مترجم

مقدمه‌ی دبیر مجموعه

از سال ۱۳۸۵ آغاز تدریس در دانشکده‌های تناتری با مسئله‌ی کمبود منابع و مآخذ مرتبط با دروس طراحی صحنه و لباس درگیر بودم و چون هر مدرس تازه‌کار، پی‌جوی خواندن تا چیزی برای گفتن در کلاس داشته باشم. آن روزها مایوسانه دریافتیم که جز آنچه در زمان دانشجویی خوانده بودم و همان تمام دارایی ما بود، چیز دیگری وجود ندارد!

راهی که آن زمان برای اداره‌ی کلاس پیدا کردم، تدوین تجربیات عملی و تلفیق آن با کتاب‌ها و مقالات ترجمه شده‌ای بود که خوانده بودم.

این معضل زمانی چهره آشکار می‌کرد که دانشجو‌یانی در آستانه‌ی پایان‌نامه قرار می‌گرفتند و جز پاره‌ای عناوین مستعمل به دلیل نبود کتاب و سایر مکتوبات، انتخابی برای ما وجود نداشت. در کنار این، به سبب زبان خارجی با کتاب‌هایی روبه‌رو شدم که گرچه سالیانی از زمان آن‌ها می‌گذشت، اما حاوی موضوعاتی بدیع و چاره‌ساز بودند. برخلاف این کتاب‌ها و مقالات را به دانشجویان مقطع پایان‌نامه برای ترجمه دادم، به این امید که روزی چاپ شوند و روی پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها قرار گیرند. ظرف سه سال حاصل کار بیش از بیست پایان‌نامه بود که در آن ترجمه دستاویز کار قرار گرفته بود. بهرغم تلاش در زمان اندک برای تصحیح ترجمه

و مطابقت با متن اصلی و ویرایش ادبی، نتیجه چشمگیر و قابل نشر نبود. لذا این مجلد‌های دوست‌داشتنی مزین به نام دانشجویان را در قفسه به حال خود وانهادم، به امید روزی که فرصت کنم در صحت و دقت برگردان‌ها بازنگری و آن‌ها را به متون روان قابل فهم تبدیل کنم.

از همان روزها ایده و آرزوی داشتن مجموعه‌ای مستقل و پربار که همه‌ی مکانات این رشته را به رشته‌ی تحریر درآورد و چراغی بر نادانسته‌ها بتاباند، در جانم نشسته بود.

کمی‌چه در دهه‌ای که گذشت بارقه‌هایی از این چراغ ساطع شد و دوستان و همکاران پرتلاش و خوش فکر عناوین درخور توجهی به حوزه‌ی مهجور و بی‌رونق طراحی و مهندسی لباس افزودند، اما هنوز جاهای خالی زیادی هست که باید پر شود. و این فرایندی نیست که هرگز به کمال برسد.

روزهای آغازین سال ۱۳۵۸، پیشنهاد آقای مهندس بهرام فیاضی مدیر محترم نشر قطره و فرهیخته‌ی نام‌آنان عرصه‌ی تئاتر، آرزوی مرا به منصه‌ی ظهور رساند و من مشتاق و سپاس‌گزار با راه‌نمایی‌های متکی به تجربه‌ی ایشان کلید «مجموعه‌ی طراحی و مهندسی لباس» را زدم و به یاری فرهیختگانی دیگر که با ما هم‌رکاب شدند، از راه به عینیت درآوردیم.

آنچه در این مجموعه به دانشجویان، مدرسان و طراحان این رشته پیشکش می‌شود حاصل تجمیع اراده و عمل آنانی است که به برشمردم. امید که کم‌خطا باشیم، در این راه همپایانی دیگر بیابیم و این چراغ را تا همیشه روشن نگاه داریم.

منیره ملکی